

تبعید و قتل امیرکبیر در حمام فین کاشان

● سید محمود سادات بیدگلی*

اشاره

نجابت و مظلومیت امیرکبیر، با آن همه جذبه و اهمیت، روایتی شنیدنی است که هر آزادمردی را متأثر می‌کند. این روایت به اختصار اما به شیوایی در یادداشت ذیل نقل شده است.

از جمله وقایع ناگوار تاریخ ایران زمین، تبعید و در ادامه قتل صدراعظم اصلاح‌گر و ترقی‌خواه میرزا تقی‌خان فراهانی، مشهور به امیرکبیر، است. بعد از آنکه توطئه‌های درباریان و کلیه کسانی که از اصلاحات امیر زیان دیده بودند به نهایت خود رسید، آن‌ها سرانجام شاه را واداشتند تا امیر را برکنار کنند. در تاریخ ۱۸ محرم ۱۲۶۸، امیر از صدارت معزول شد و امارت نظام یافت؛ اما دشمنان امیر بیکار ننشستند و «میرزا آقاخان نوری از گناهان وی شمه‌ای برشمرد اجازه شرفیابی خواست؛ به حضور رفت خدمات خود را خاطر نشان کرد. چه سود که میرزا آقاخان نوکر دیگری بود و صدارت او را می‌خواستند و از امیر اندیشه داشت بالجمله امیر به حکومت کاشان فرستاده شد.» (هدایت، ۱۳۶۳: ۷۴). امیر به حکومت کاشان فرستاده شد، جایی که حاکم آنجا نمی‌توانست اقدامی علیه حکومت انجام دهد زیرا هم جو آنجا نامناسب بود و دودستگی در بین اهالی وجود داشت هم اینکه نزدیک پایتخت بود و در صورت شورش بلافاصله امکان اعزام نیرو و سرکوبی وجود داشت.

تبعید امیرکبیر به کاشان مهمترین تبعید در دوره قاجار بود که برخلاف تبعیدهای بعدی به قتل شخص تبعیدی منجر شد. شخصیت تبعیدی و تأثیرگذاری وی در نوسازی ایران در دوره قاجار باعث اهمیت این تبعید شد. تبعید امیرکبیر تا قتل فقط چهل روز طول کشید. پس از عزل امیر از صدارت و وزارت نظام، آقاخان نوری آشکارا به مخالفت

* استادیار تاریخ در پژوهشکده امام خمینی (ع) و انقلاب اسلامی m.sadat@yahoo.com

و دگرگون کردن کارهای امیر برخاست، به شکلی که امیر برآشفت و از شاه اجازه ملاقات خواست (آل داود، ۱۳۹۰: ۱۸۶ و ۱۹۴). اما شاه سخنان امیر را نپذیرفت و او را مورد عتاب قرارداد (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۰۵). حکم تبعید امیر به کاشان نخست با عنوان حکومت کردن در آن شهر صادر شد و وی زیر نظر نظامیان به آنجا رفت (سپهر، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۸۸). شاه در فرمانی جزئیات رفتار با امیر را چه در مسیر راه تهران تا کاشان و چه در تبعیدگاه کاشان مشخص کرد که نشان می‌دهد این تبعید تا چه اندازه اهمیت داشته است. دستورالعمل تبعید امیر کبیر شامل موارد زیر بود:

۱. رعایت ادب و احترام و تشریفات در مسیر راه تهران تا کاشان؛
۲. تعیین تعداد و نوع خدمتکاران در اختیار امیر؛
۳. نحوه رفتار با امیر در موقع بروز بیماری‌های همه‌گیر، مانند وبا؛
۴. لزوم کنترل نامه‌ها و پیام‌های امیر (ساکما، آلبوم ۱۲۲؛ آل داود، ۱۳۹۰: ۲۱۰-۲۱۲).



حمام فین کاشان

امیر حدود چهل روز
حاکم کاشان بود
و در این مدت در
باغ فین، در امارت
خلوت نظام‌الدوله،
اقامت داشت

به خدمتکاران در اختیار امیر کبیر نیز اخطار شده بود که اگر کاغذ یا پیغامی را از امیر به جایی ببرند، به‌سختی مجازات خواهند شد. نگهبانان اجازه ورود به حرم امیر را نداشتند (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۰: ۳۲۹-۳۲۷).

سپهر درباره روحیه امیر در هنگام تبعید می‌نویسد:

«مملکت ایران با آن ساحت فسیح برکبریای میرزا تقی‌خان تنگ آمد، عرصه کاشان که وادی خاموشان با آن کبر و خیلا چگونه بر خواهد تافت.» بعد از برکناری امیر دشمنان وی از پای ننشستند. «میرزا آقاخان اعدام امیر را شرط قبول صدارت کرد و بیشتر وزرا و امرا (زالوهای مملکت) موافقت کردند.» (هدایت، ۱۳۶۴: ۵۷).

امیر حدود چهل روز حاکم کاشان بود و در این مدت در باغ فین، در امارت خلوت نظام‌الدوله، اقامت داشت. عزت‌الدوله، همسر امیر، به‌رغم مخالفت برادرش ناصرالدین‌شاه و مادرش مهدعلیا، همراه امیر به کاشان رفت. وی مراقب بود تا در غذای امیر سم نریزند. غذای امیر را ابتدا خودش امتحان می‌کرد و لحظه‌ای از امیر جدا نمی‌شد. این مدت، امیر پیشنهاد تحت‌الحمایگی دولت بریتانیا را نپذیرفت (شیل، ۱۳۶۸: ۲۲۴). او با اینکه آن پیشنهاد را رد کرد، اما بهانه به‌دست مخالفان وی افتاد که او را وابسته به اجانب معرفی کنند و حکم قتل وی را از شاه بگیرند. حاج علی‌خان مقدم‌مراغه‌ای، پدر محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، که لقب حاجب‌الدوله داشت، مأمور به قتل امیر شد. علی‌خان مقدم‌مراغه‌ای، که حکم قتل امیر را از شاه گرفته بود، برای جدا کردن عزت‌الدوله از امیر شایع کرد که امیر عفو شده و حتی شاه برای او خلعتی فرستاده است و نیاز است که برای پوشیدن خلعت استحمام کند. امیر کبیر برای استحمام به حمام داخل باغ فین رفت. حکم را در بامداد ۱۸ ربیع‌الاول با بریدن رگ دست امیر به انجام رساندند و سپس به‌سبب تعجیلی که داشتند او را خفه کردند و برخی اشیای شخصی او را به غنیمت بردند (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۷۰).

حاج علی‌خان از برکشیدگان امیر محسوب می‌شد. او با فریب دادن عزت‌الدوله داخل حمام فین کاشان شد و حکم قتل امیر را خواند. امیر ابتدا به او پرخاش کرد، ولی بعد از اینکه فهمید کاری از دستش برنمی‌آید، تسلیم شد و نوع مرگش را، یعنی گشادن رگ دستانش، برگزید و جان به جان آفرین تسلیم کرد. «اربعمینی بیش میرزا تقی‌خان در گوشه فین کاشان نغوده بود که میرزا علی‌خان فراش‌باشی مأمور شد امیر را به قتل رساند. شب شنبه ۱۸ ربیع‌الاول در حمام او را بگشودند تیغال از حال بردند نه‌تنها امیر را زدن، رگ تعالی ایران را زدن.» (هدایت، ۱۳۶۴: ۷۴). نویسندگان حکومتی مرگ امیر را طبیعی و ناشی از اقتحام خون دانستند (سپهر، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۱۵۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۱۱۵). اما اکثر منابع بر قتل امیر کبیر در حمام فین کاشان اذعان دارند (پیرنیا و اقبال، ۱۳۷۶: ۸۲۷-۸۲۹).

بعد از عزل امیرکبیر در ۲۰ محرم ۱۲۶۸/۱۵ نوامبر ۱۸۵۱، آقاخان نوری به صدارت رسید. میرزا آقاخان دقیقاً هفت سال صدارت کرد و در بیستم محرم ۱۲۷۵، دستخط شاه مبنی بر عزل و تبعید او رسید که لحن غلطانداز و دلگرم‌کننده‌ای داشت و سنت تبعید امیر را به یاد می‌آورد.



منابع

۱. آل داود، سعیدعلی (۱۳۹۰). اسناد و نامه‌های امیرکبیر. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳). المآثر والآثار. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
۳. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۴۰). میرزا تقی‌خان امیرکبیر. به کوشش ایرج افشار. تهران: دانشگاه تهران.
۴. بروگش، هاینریش کارل (۱۳۶۷). سفری به دربار سلطان صاحبقران: ۱۸۶۱-۱۸۵۹. ترجمه حسین کردبچه. تهران: اطلاعات.
۵. پیرنیا، حسن، اقبال، عباس (۱۳۷۶). تاریخ ایران. تهران: خیام.
۶. خورموجی، حاج میرزا محمدجعفر (۱۳۴۴). حقایق الاخبار ناصری. تهران: زوار.
۷. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). اسناد بیوتات. آلبوم ۱۲۲.
۸. سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۷۷). ناسخ التواریخ. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر. ج ۳.
۹. شیل، مری لئونورا (۱۳۶۸). خاطرات لیدی شیل. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
۱۰. هدایت، مهدیقلی (۱۳۶۳). گزارش ایران. به اهتمام محمدعلی صوتی. تهران: نشر نقره.
۱۱. هدایت، مهدیقلی (۱۳۶۴). خاطرات و خطرات. تهران: زوار.